



منامیخ بیگن نخست وزیر اسرائیل، انور سادات رئیس جمهور مصر و جیمی کارتر رئیس جمهور ایالات متحده در کمپ دیوید.



محل برگزاری اولین نشست در کنیا

بلافاصله با ژنرال تماس گرفتیم. ژنرال نصیری که رئیس ساواک و دوست دوران کودکی و همکلاسی شاه مورد اعتماد بود، مایل بود که بسیاری از اقدامات احتیاطی را که متخصصان اطلاعاتی حرفه‌ای با جدیت مهلک انجام می دادند، تا حدودی سرسختانه انجام دهد. سریع نصیری را از طریق تلفن یافتیم. شروع کردم: «دوست عزیزم، ژنرال عزیزم، امیدوارم هیچ یک از اوقات را همراه نداشته باشی.» او پاسخ داد: «اوه، به هیچ وجه، البته نه. خدا را شکر که آنها را مستقیماً از مراکش به تهران فرستادم.» می دانستم دروغ می گوید. صبح روز بعد، برای راستی آزمایی فرضیه‌ام، پیامی به مراکشی‌ها فرستادم و فهرستی از تمام هواپیماهای خصوصی با تجاری را که در روز قبل از مراکش به سمت تهران برخاسته بودند درخواست کردم. پاسخی که انتظارش را داشتم برگشت، وجود نداشت. مشخص شد بلغارها به همتایان شوروی خود که مراقب آپارتمان نصیری در نیس بودند، هشدار دادند، سپس در همان شب دست به حمله‌ای زدند، تنها شبی که او در فاصله‌ای نزدیک، باز و کاملاً در برابر عوامل آنها آسیب پذیر بود. من سازمان آنها را تحسین کردم.

صبح روز بعد، دوروز پس از پایان جلسه باشگاه سافاری و روزی که نصیری به تهران بازگشت، به مراکشی‌ها گفتم که پیامی را با کد سافاری کلوب به ژنرال نصیری در تهران بفرستند تا ما جارا را بررسی کرده و درخواست کنند. جزئیات سرفت «برای پرونده‌ها». اما او رمزی را که در میان اوراق نزدیده شده از آپارتمانش بود گم کرده بود. او هرگز به پیام رمزگذاری شده پاسخ نداد، زیرا قادر به خواندن آن نبود. آن موقع می دانستیم که طرف مقابل رمز را دارد. مجبور شدیم بلافاصله کد را تغییر دهیم.

جنگ با اهرم صلح

هنگامی که در مرداد ۱۳۵۶ بگین و کارتر در تدارک امضای پیمان صلح با مصر بودند تا حمایت قوی‌ترین ارتش جهان اسلام را از پشت فلسطین بردارند؛ «موشه دایان» وزیر خارجه صهیونیست‌ها به جهت ضرورت یافتن کانال‌هایی موازی برای تماس با «سادات»، سفر محرمانه‌ای به دهلی نو پایتخت هند انجام داد. به رغم آنکه «مورارجی دسای» نخست وزیر وقت هند مخالف سیاست «جواهر لعل نهرو» و

کمک نظامی گسترده‌ای برای دولت عمان فراهم آورد تا شورش ظفار را درهم شکنند و با حمایت مشترک آمریکا و اسرائیل، اسلحه در اختیار سلطان قابوس قرار داد. در ۲۹ آذر ۱۳۵۲ ارتش ایران مستقیماً وارد عمل شد و در طول دو سال بعد منطقه ظفار را از چریک‌های عمانی پاکسازی کرد. استدلال ایران این بود که مخالفان نظام ایران در این منطقه جمع آمده‌اند. علم در این خصوص نوشته است: «سفیرمان از عمان همراه با نامه‌ای از ملک حسین وارد شد، که اسامی تعدادی از ملی‌گرایان کرد را که علیه جان شاه توطئه می کردند فاش ساخته است. فوراً نامه را به ساواک دادم.»

یکی از جدی‌ترین اقدامات سافاری برای انجام عملیات مطلوب آمریکا، بدون عواقب نظارتی کنگره، پشتیبانی از طالبان برای مقابله با شوروی بود. اعضای کلوب سافاری، BCCI و ایالات متحده در تسلیح و تأمین مالی مجاهدین افغان برای مخالفت با اتحاد جماهیر شوروی همکاری کردند. این سیاست مانند حمایت نظامی از سومالی چون پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد، بدون مشارکت ایران بود و تا دولت ریگان ادامه یافت.

افتتاح نصیری

جلسات سافاری عموماً با مدیریت دومرانس و در مکان‌های مختلف برگزار می شد. در جلسات حضوری رمزی برای مکاتبات بعدی به آنها داده می شد که هم تغییر رمز مرتب دنبال نشود و هم مسیر تحویل آن امن باشد. دومرانس در کتاب خود، خاطره جالبی از عدم صداقت نصیری با وی در یکی از این نشست‌ها که در مراکش برگزار شده بود، ذکر کرده است: «پس از ناهار روز آخر، همه ما جلسه را ترک کردیم تا به پایتخت‌های خود برگردیم. همانطور که عادت داشتم بعد از هر جلسه انجام دهم، به همه شرکت کنندگان یادآوری کردم که خیلی مراقب باشند کیف‌هایشان را کجا گذاشته‌اند و به چه کسانی اجازه دسترسی به اوراق محرمانه‌شان داده شده است. عصر، به پاریس برگشتم، سری به دفتر زدم و سپس به خانه رفتم و مستقیم به رختخواب رفتم. حدود ساعت یک بعد از ظهر تلفن زنگ خورد. افسر وظیفه از اداره مرکزی زنگ می زد. «مسئول ژنرال، متأسفم که مزاحم شما شدم، اما به نظر می رسد که ژنرال نصیری قبل از پرواز به تهران، برای صرف شام با خانم نصیری و چند نفر از دوستانش، یک شب در نیس توقف کرده است. هنگام صرف شام، آپارتمانش مورد سرقت واقع شده اما با وجود پول و جواهرات زیاد، چیزی ناپدید نشده است.» من فوراً فهمیدم چه اتفاقی افتاده است و

وارد شد تا هنگام عملیات نظامی اسرائیل علیه فلسطین، ساکنان اصلی آن سرزمین فاقد حامی قوی در همسایگی جنگ باشند. این اقدام، نتیجه داد و ۲۶ شهریور ۱۳۵۷، پیمان کمپ دیوید به امضای طرفین رسید.

تیر خلاص حسنین هیکل

پیروزی انقلاب اسلامی، امری پیش بینی نشده برای این کلوب بود که همه تمرکزش روی انقلاب‌های کمونیستی بود. با تبعید شاه و انحلال ساواک، باشگاه یکی از قوی‌ترین اعضای خود را از دست داد. اما همچنان اعضای باقی مانده به کار خود ادامه دادند.

اما از یک سو پس از جنگ شوروی و افغانستان، دوران کلوب سافاری به سر رسید و از سوی دیگر، سال ۱۳۵۹ پس از پیروزی رونالد ریگان در رقابت‌های ریاست جمهوری، ریگان و ویلیام جی کیسی را به جای ترنر در پست سیا منصوب کرد، که آونگ را به روزهای قبل از ترنر بازگرداند.

البته کیسی مسئولیت حفظ ارتباط با اطلاعات سعودی را بر عهده گرفت و هر ماه با کمال ادهم و سپس شاهزاده ترکی فیصل ملاقات کرد و سعی به حفظ امکانات پدید آمده ذیل عنوان سافاری داشت؛ اما نام سافاری دیگر برای ادامه امن نبود. زیرا روزنامه نگار مصری محمد حسنین هیکل که پس از انقلاب اسلامی به ایران آمده بود و اجازه داشت اسناد ضبط شده در جریان انقلاب ایران را بررسی کند، در میان برخی اسناد برجای مانده از حکومت پهلوی، وجود کلوب سافاری را کشف کرد و آن را در جهان افشا کرد.

«پندیرا گاندی» در خصوص فلسطین بود، اما موشه دایان نتوانست او را با خود همراه کند و دست خالی به «تل آویو» بازگشت. دوروز بعد، به همین منظور برای ملاقات با شاه ایران، دوست صمیمی سادات به تهران پرواز کرد. «باشگاه سافاری» تماس‌هایی با دستگاه اطلاعاتی اسرائیل داشت و شاه ایران حامی آن بود. چند روز بعد از دیدار موفق تهران، «ملک حسن» شاه مراکش، دیگر عضو سافاری برای اولین بار به موشه دایان در شهر یورماه وقت ملاقات داد.

نتیجه این دیدار سازماندهی ملاقاتی میان «موشه دایان» و وزیر خارجه اسرائیل و سپهبد حسن التهامی با معاون نخست وزیر مصر، چهره نزدیک به «انور سادات» بود.

بجز موشه دایان، «اسحاق حوفی»، رئیس موساد که عضو مرتب دولت صهیونیستی با سافاری بود نیز با التهامی دیدار کرده بود. چندی بعد، اسرائیل با استفاده از نماینده کلوب سافاری مراکش به عنوان نماینده، نماینده مصر در سافاری را از یک توطئه ترور در لیبی آگاه کرد. امری که موجب اعتماد انور سادات شد.

جایگاه ویژه التهامی به عنوان یکی از اعضای تشکیلات افسران آزاد مصر مسیر آنها را تسهیل کرد و انور سادات ۷ آبان، به بخارست رفت و با رئیس جمهور آن، نیکلای چائوشسکو دیدار کرد. فردی که ارتباط تنگاتنگی با بگین داشت. در این سفر او تضمین‌های لازم را برای امکان صلح با بگین دریافت کرد. اینگونه با محوریت کلوب سافاری و با صحنه گردانی آمریکا و فرانسه، مذاکرات با مصر به مرحله نهایی

نمونه ای از اسناد مذاکرات سافاری



محیط باز کنار محل برگزاری اولین نشست در کنیا